

یادداشت

گفت‌وگوی ملی؛ بستر وفاق ملی

سیدرضا صالحی‌امیری - استاد دانشگاه

● در هفته گذشته، معاون‌اول رئیس‌جمهور در همایش هشتادمین سالگرد تأسیس کتابخانه ملی به موضوع مهم و حیاتی «گفت‌وگو» به‌عنوان یک راهبرد ملی تأکید داشتند. واقعیت آن است که گفت‌وگو و تعامل در دنیای امروز، مهم‌ترین اصل برای توسعه ملی به‌شمار می‌رود. گفت‌وگو و تعامل در سطوح مختلف، می‌تواند به حل بسیاری از مسائل مبتلابه جامعه بینجامد و اگر به‌عنوان یک فرهنگ پذیرفته شود، گام مهمی در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش همدردی و انسجام برداشته خواهد شد؛ چراکه گفت‌وگو منجر به کاهش عصبیت و شکاف فرهنگی، افزایش اشتراکات، ایجاد فضایی برای داشتن گوش شنوا، پذیرش نقد و شکوفایی و پویایی در جامعه می‌شود. همچنین در جامعه‌ای که فضای گفت‌وگو حاکم است، فضیلت، معرفت، اخلاق و بسیاری از فضایل دیگر افزایش می‌یابد. گفت‌وگو نته‌ها در میان اقشار مختلف مردم، بلکه در میان مسئولان و مردم نیز اهمیت بالایی دارد و تعامل میان کانون‌های حاکمیت، نخبگان و مردم، جامعه‌ای منسجم، سالم، داوراندیش، همه‌جانه‌نگر و کل‌نگر را نوید می‌دهد و بی‌تردید نخبگان، اصحاب فرهنگ، هنر، علم، دانش و آگاهی از کانون‌های اثرگذار در ایجاد فضای گفت‌وگو هستند. باید به یاد داشته باشیم که مقام معظم رهبری بارها و بارها به گسترش و توسعه آزاداندیشی تأکید فرموده‌اند. حاصل چنین دیدگاهی، جامعه‌ای فضیلت‌محور و اخلاق‌گراست که به‌جای مناقشات، به گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر باور دارد؛ جامعه‌ای که ارزش‌های فرهنگی در آن از جایگاهی ویژه برخوردارند و همدلی، مشارکت و همدردی محور تعاملات قرار می‌گیرد. گفت‌وگو پیش‌شرط‌هایی اساسی دارد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. هدف گفت‌وگو باید فهم دیگران باشد، نه غلبه بر دیگران (نقی جویت فرهنگی).
۲. گفت‌وگو باید مبتنی بر آزادی و اختیار باشد (گفت‌وگوی اجباری اعتباری ندارد).
۳. گفت‌وگو علاوه بر گفتن، مستلزم شنیدن نیز هست؛ شنیدن فضیلتی است که باید آن را به دست آورد.
۴. گفت‌وگو باید به صلح، مشارکت جویی و هم‌زستی سالم‌تر فرهنگی منجر شود.
۵. گفت‌وگو باید با اصل احترام به تفکر، اعتقادات، اندیشه، رهبران و آداب‌ورسوم طرف‌های گفت‌وگو همراه باشد (مدارا و سازگاری فرهنگی).
۶. گفت‌وگو باید عادلانه باشد؛ یعنی طرفین گفت‌وگو از ابتدا برتری جویی برای خود قائل نباشند. حق برتری یکی بر دیگری، به گفت‌وگوی سازنده منجر نخواهد شد.
۷. گفت‌وگو به مفهوم دادگاه برای اثبات خود و ابطال دیگری نیست، بلکه هدف از گفت‌وگو آگاهی، درک، فهم و کاهش عصبیت‌های فرهنگی است.

۸. نفسی نگاه تک‌محوری و خودبرتریبی در گفت‌وگو (تعاطف فرهنگی).
۹. پذیرش تنوع فرهنگی و حق تساوی و برابری برای طرفین گفت‌وگو.
۱۰. از لوازم اصلی گفت‌وگو، پایبندی به تعهدات اخلاقی است (گفت‌وگوی اخلاقی).
۱۱. هدف گفت‌وگو باید افزایش سطح اشتراکات فرهنگی و کاهش شکاف فرهنگی باشد.
۱۲. باور به گفت‌وگو به‌عنوان تنها موصول عقل جمعی انسان، یک ضرورت اساسی است.

هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی نمی‌توانند بدون به‌رسمیت‌شناختن طرف مقابل و سلاقی و علاقی طرفداران آنها، در اداره کشور توفیقی کسب کنند. تفکر حذف رقیب یا تخریب و امتزاج‌ناشایی با هزینه‌های گزاف، اشتباه استراتژیکی است که کشور را با مخاطراتی جدی مواجه کرده و مردم را از پیشرفت و بهبود اوضاع کشور ناامید می‌کند. درحالی‌که منطق حکم می‌کند اگر اختلاف و اقتصادی وجود دارد، در بستر مناسب و با سازوکار تعریف‌شده قانونی مطرح شود. فراموش نکنیم همین اختلافات در مقطعی هزینه‌های گزافی را بر دوش دو جریان سیاسی کشور گذاشت و مردم را دچار دل‌سردی و ناامیدی کرد که متأسفانه هنوز در بخش‌هایی از جامعه آثار و بقایای این دل‌سردی مشاهده می‌شود. از این منظر، چنین حرکت‌های انسجام‌آفرینی بسیار ارزشمند بوده و می‌تواند زمینه‌ساز ازبین‌رفتن یاس و ناامیدی موجود شود و در عین وجود نگاه‌های متفاوت، نقاط اشتراک بر سر اصول کلی را برجسته‌تر کند. گفت‌وگو حرکتی دائمی است که باید در تمام شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تداوم داشته باشد و لازم است همه اجزای حاکمیت (اعم دولت و سایر قوا، نهادها و سازمان‌ها) و نیز احزاب و بزرگان جریان‌های مؤثر سیاسی، نخبگان، اصحاب رسانه و گروه‌های مرجع، به‌استمرار گفت‌وگو در جامعه اهتمام ورزند تا بتوانیم در سایه تعامل، مفاهمه، همفکری و همدردی، شاهد انسجام، اتحاد و هم‌نوایی در سطح ملی باشیم. این مهم نیازمند عزم، اراده و باور همه جناح‌ها، جریان‌ها، اصحاب فکر و قلم است؛ چراکه این درد مشترک بدون گفت‌وگو و فهم مشترک درمان نخواهد شد.

یادمان باشد در ابتدای پیروزی انقلاب و در اوج دوران انقلابی‌گری، شهید بهشتی و دیگر بزرگان نظام، مسیر گفت‌وگو با مخالفان (حتی مارکسیست‌ها) را برای ایجاد وفاق ملی انتخاب کرده بودند. آن تفکر و اندیشه، امروز بیش از هر زمان دیگری باید در جامعه ایران باز‌شناسی و بازسازی شود.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

نایب‌رئیس مجلس در کنگره حزب مردم‌سالاری:

لزوم پایان حصر و ممنوع‌التصویری

بسیاری از افراد، مقامات و اعضای خبرگان موافق رفع حصر هستند



علی‌رضا لاریجانی

مطهری، چهارشنبه ۱۹ اسفند در همایش روز وکیل:

حضور وکیل از ابتدای تحقیقات برای آسودگی خاطر متهم است

ایلنا: علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس با تأکید بر اینکه وکیل باید در دفاع از موکل مستقل باشد به اصل ۳۵ قانون اساسی مبنی بر داشتن حق وکیل اشاره کرد و گفت: «وکیل باید در دفاع مستقل باشد و این استقلال در انتخاب موکل و نوع دفاع است. وکیل دادگستری باید بتواند از هرکسی دفاع کند و دغدغه تبعات بعد آن را نداشته باشد و از سوی دیگر، قوه قضائیه و مجریه نباید در کار وکلا دخالت کنند». او همچنین به مراجعه خانواده‌ها اشاره کرد و اینکه «خانواده‌ها مشکلات را می‌گویند و از طولانی‌بودن بازجویی‌ها بدون وکیل مخصوصا در جرائم سیاسی و از تأثیر بازجوها در رأی قضات می‌گویند. گاهی عنوان می‌شود که متهم را بازداشت می‌کنند تا طرف اقرار کند و بعد پرونده‌سازی کنند یا برخی طولانی‌مدت در بازداشت انفرادی هستند؛ درحالی‌که طبق قانون جرم سیاسی با شرایطی حداکثر ۱۵ روز انفرادی مجاز است. شخصی می‌گفت شش ماه بدون وکیل انفرادی بودم و می‌گفتند وکیل شما باید در فهرست مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد؛ درحالی‌که چنین فهرستی وجود نداشت». به گفته او «تصور ماه ۴۸ این قانون است که تأیید وکلا در پرونده‌های امنیتی از سوی رئیس قوه قضائیه اضافه شد و به خاطر این تبصره بسیاری از پرونده‌های سیاسی بدون وکیل اجرا می‌شود و رانت به وجود آورده است و حق متهم از بین می‌رود. اکنون پرونده‌های سیاسی نزد چند قاضی خاص و وکیل خاص می‌رود». علی مطهری همچنین افزود: «در قانون ضابطان زیادی وجود دارد که در قانون آیین دادرسی کیفری، مأموران اطلاعات سیاه نیز به ضابطان اضافه شدند. در برخی پرونده‌ها گفته می‌شود که بازجوها نقش اصلی دارند که در این بین حق متهم ضایع می‌شود. از این رو مجلس باید وارد این مسائل شود. در قانون آیین دادرسی قدیم نبود وکیل موجب نقض حکم بود که این مطلب در قانون جدید حذف شد که به نظر من آسیب است. نباید بعد از اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، این قانون یکسره به شورای نگهبان می‌رفت ولی غفلتی شد که حداقل آسیب آن تبعیض بین وکلا است که مخالف قانون اساسی است». نایب‌رئیس مجلس منع دخالت وکلای غیرروحانی در دادگاه روحانی را مشکل‌ساز دانست و گفت: فکر تشکیل دادگاه ویژه روحانیت، حمایت از روحانیون بود. قانون دستور داده برای روحانی وکیل روحانی باشد اما چه لزومی دارد شاکي هم باید وکیل روحانی داشته باشد؟ چرا باید از بین افراد معین انتخاب شوند؟ من در مسئله مشهد که سخنرانی داشتم، دادستان درب سالن را پلمپ کرد، بنده شکایت کردم که گفتند وکیل باید روحانی باشید. چون مشکتي عنه روحانی است. به نظر من این کار ضایع‌کردن حق مردم است. مگر فرد روحانی مسائل پنهانی دارد که می‌خواهند علنی نشود؟ مگر حکومت طبقاتی داریم یا به عهد ساسانیان برگشته‌ایم؟ در این امر باید بازنگری شود.

انقلاب توصیه کرده‌اند نهادهای نظامی از بنکاه‌های اقتصادی غیرمرتبط بیرون بیایند و وزیر دفاع هم این موضوع را اعلام کردند. این نشان می‌دهد احساس اصلاح امروز وجود دارد». این نماینده مجلس دلیل از دست‌دادن بازار قطر و روسیه را در هنگامی که دچار بحران بودند، کوچک‌بودن بخش خصوصی دانست.

هر اعتراضی را نباید براندازی و مخالفت با ولایت فقیه تلقی کرد

او در زمینه اصلاحات سیاسی گفت: «برای اصلاحات سیاسی باید به احزاب میدان داد. احزاب، اتاق فکر برای جامعه هستند و مردم را در زمان انتخابات هدایت می‌کنند و باعث می‌شوند افراد حراف و فریب‌کار، نتوانند مردم را فریب دهند. باید میدان را برای کار احزاب باز کرد». مطهری گریزی کرد و گفت: «باید حق اعتراض را به رسمیت بشناسیم؛ خوشبختانه در اتفاق‌های اخیر در توسعه سیاسی یک گام به جلو برداشتیم و همه قبول داشتند که باید حق اعتراض را به رسمیت شناخت و هر اعتراضی را نباید به معنی براندازی و مخالفت با ولایت فقیه تلقی کرد». او سالان ۸۸ را با اعتراضات اخیر مقایسه کرد و گفت: «در سال ۸۸ خبر نبود.

از این افراد نیز می‌گویند نظر ما همین است که این رفع حصر باید به اتمام برسد و به صلاح کشور نیست، ولی می‌گویند احساس می‌کنیم نظر حاکمیت بر ادامه این راه است». او ادامه داد: «مراجع تقلید، علمای بزرگ و اعضای خبرگان رهبری وظیفه دارند صحبت کنند؛ نمی‌شود بگوییم مسئله غیرقابل گفت‌وگو است. این روش‌ها درست نیست». مطهری افزود: «شهید مطهری در موارد قابل‌توجهی نظر امام(ره) را تغییر می‌داد و مستقیم و راحت با امام(ره) صحبت و استدلال می‌کرد و امام هم این را می‌پذیرفت. نمی‌شود در پستو چیز دیگری و در آشکار چیز دیگری گفت. باید به رفع حصر و ممنوع‌التصویری پایان داده شود».

کواکبان: تأکید می‌کنم پارلمان اصلاحات مقابل خاتمی نیست

دبیر کل حزب مردم‌سالاری با تکذیب اینکه گفته می‌شود پارلمان اصلاحات برای مقابله با آقای خاتمی درست شده است، گفت: «با آقای خاتمی طرح بحث کردیم، دو نکته مدنظر ایشان بود که ما آنها را لحاظ کردیم و همان‌طورکه آقای کمالی گفتند این طرح در شورای هماهنگی اصلاحات تصویب شده است». کواکبان افزود: «بنا داریم در دوم خرداد ۹۷ از این طرح رونمایی شود و چهار هزار نفر در آن حضور خواهند داشت و هر حزب تعدادی از افراد خود را معرفی می‌کند». نماینده مردم تهران پارلمان اصلاحات را دموکراتیک، سراسری، پویا و حزب‌محور دانست و گفت: «قصدمان این است که احزاب اصلاح‌طلب از این رخوت دربیانند و باز هم تأکید می‌کنم که پارلمان اصلاحات مقابل آقای خاتمی نیست».

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: ما پیش‌تر حزب خود اشاره کرد و افزود: «ما مشکلات زیادی در هر سه محور پرسشگری، پاسخ‌گویی و توسعه پایدار که شعار خود قرار داده‌ایم، داریم. اگر در طرح این پرسش‌ها سه قوه را آورده‌ایم، مفهومی‌اش این نیست که کسی پاسخ‌گو نباشد، منتها آوردن نام سه قوه برای این است که آنها سمبل حکومت هستند و همه نهادهایی که در کشور هستند، باید پاسخ‌گو باشند».

«تا زمانی که با فساد مقابله نشود، وطن، وطن نمی‌شود». کواکبان این جمله را گفت و راه‌حل را پرسشگری دانست. او افزود: «رسانه‌ها و فضای مجازی باید آزاد باشند و احزاب فعالیت کنند». عضو فراکسیون امید ادامه داد: «مردم باید عیانیت حرف‌های خود را بزنند و نمایندگان هم حرف‌های آنان را بشنوند. ما از هیچ چیز نباید واهمه داشته باشیم و مردم نیز باید بتوانند بدون لکنت زبان، حرف بزنند». کواکبان از لزوم مقابله با «فساد سیستماتیک» گفت و افزود: «نه اینکه یک نفر را بگیریم که این فساد کرده و همان هم به مجازاتش کشیده باشد». حسین کمالی هم از وضعیت فعلی کشور ابراز نگرانی کرد و گفت: «این همه درد مشاهده می‌شود اما سؤال پیش می‌آید که چرا مردم سکوت کرده‌اند؟ چرا سؤالی ندارند؟ بی‌سؤالی بزرگ‌ترین درد است. چرا مردم ناامید شده‌اند و سؤال نمی‌کنند؟»

او مشکلات و دغدغه‌های مردم را برشمرد و افزود: «در کشورهای پیشرفته برای حیوانات هم حقی قائل هستند و بیشتر از توجه ما به برادرانمان، به آنها اهمیت می‌دهند». رئیس خانه احزاب گفت: «برنامه‌ای که در مجلس برای احزاب نوشته شده است، اشکال دارد. احزاب برای فعالیت در کشور ما باید ثابت کنند که برای کسب قدرت نیامده‌اند. این ایراد دارد؛ چراکه احزاب اصولا برای کسب قدرت می‌آیند. احزاب ما آن قدر ضعیف است که خجالت می‌کشیم آن را به یک خارجی نشان دهیم». او قانون اساسی را در زمینه احزاب، آزاد ارزیابی کرد و به شوخی گفت: «یکی می‌گفت اگر قانون اساسی را در کوچه بلند بلند بخوانیم، تبلیغ علیه نظام تلقی می‌شود».

از دو جهت نمی‌تواند جنبه تحمیلی داشته باشد: الف- با آن همه دلایل روشن و استدلال منطقی و معجزات آشکار، نیازی به این موضوع نیست، آنهایی متوسل به زور و تحمیل می‌شوند که فاقد منطق باشند، نه اسلام با آن منطق روشن و استدلال‌های نیرومند. ب- اصولا دین که از یک سلسله اعتقادات قلبی ریشه و مبایه می‌گیرد، ممکن نیست تحمیلی باشد. زور و شمشیر و قدرت نظامی در اعمال و حرکات جسمانی ما می‌تواند اثر بگذارد نه در افکار و اعتقادات ما. به عبارتی آیه شریفه مربوط به اصل پذیرش دین است نه بعد از پذیرش دین؛ و از جمله قوانین دین اسلام، حجاب است که معتقدان به دین اسلام باید آن را رعایت کنند و در این امر آزاد نیستند. به طور مثال تا زمانی که شما وارد کشوری نشده‌اید، الزامی برای اجرای قوانین آن ندارید اما اگر وارد کشوری شدید باید از قوانین آن پیروی کنید.

ثانیاً منظور از اجبار این است که انسان نتواند تصمیم‌گیری کند درحالی‌که در مسئله حجاب قادر به تصمیم‌گیری هست ولی اگر تخلف کند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و باید او را وادار به انجام وظیفه کرد، مانند مقررات راهنمایی که به مصلحت مردم است و اگر انجام ندهند، آنها را ملزم می‌کنند. ضمناً ما قبلاً هم بارها اعلام کرده‌ایم در مورد مسائل فرهنگی باید به صورت صحیح و منطقی برخورد شود و در مورد متخلفان و مجرمان طبق قانون ولی از توهین و برخورد‌های شخصی اجتناب شود. بی‌شک قریضه امر به معروف و نهی از منکر باید همراه با شرایط و احکام مربوطه انجام شود و دیگران نیز باید رعایت پوشش اسلامی را بکنند.

نگاه

طالب بی‌قرار شو تا که قرار آیدت

پیام بر ازجانی

● در ماه‌های اخیر، فضای سیاسی و اجتماعی کشور به دلیل آنباشت مطالبات اجتماعی که متأسفانه در پی عملکرد خارج از عدالت بعضی از مسئولان ایجاد شده است، چنانچه که مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی اخیرشان اشاره داشتند، آبتن حوادثی بود. این تنش‌ها با اینکه برگرفته از مطالبات بدنه اجتماعی کشور در حوزه‌های مختلف به‌خصوص اقتصاد و شایسته‌سالاری بود، ابعاد امنیتی نیز یافت. در این فضا، هرچند با مواجهه کم‌تأثیر مسئولان با اعتراضات به‌ویژه به‌رسمیت‌شناختن اعتراض‌ها از سوی ریاست‌جمهور و همچنین به‌حق‌دانستن بعضی از مطالبات از سوی مقام معظم رهبری مواجه بودیم، اما در بلبشوی فضای رسانه‌ای، به‌خصوص در حوزه فضای مجازی، بودند نخبگان غیرواقعی‌ای که سعی در نمایندگی مطالبات مردم از حکومت داشتند.

از تلویزیون، معاندان و فرصت‌طلبان گرفته تا بعضی شبکه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین، همه تلاش وافری از خود برای توسعه دامنه امنیتی اعتراضات و مختل‌کردن فرایند روبروکراتیک حکومت نشان دادند.

چند وزیر و معاون وزیر برای ریشه‌یابی این اعتراض‌ها با اهالی رسانه، احزاب و استادان دانشگاه جلسات مختلفی برگزار کردند. فصل مشترک همه این جلسه‌ها، اتفاق‌نظر بر نبود گوش شنوا برای مطالبات مردم در گذشته و نبود انسجام و اجماع در مطالبه‌گری اجتماعی بود. افراد بسیاری معتقدند این نوع مطالبه‌گری بسستری برای انسجام و یافتن ابعاد امنیتی اعتراض‌ها در کشور شده است. دامنه اعتراض‌ها هر روز چه از جنبه موضوعی و چه از جنبه معترضان در حال توسعه است. وجود اعتراض در یک جامعه توسعه‌یافته سیاسی و دموکراتیک مشکل نیست، اما اینکه نوع اعتراض و همچنین مواجهه دستگاه‌های نظام با آن، باعث امنیتی‌شدن فضای اجتماعی شود، مناسب نیست.

در این شرایط، بنا بر تجارب تاریخی به‌خصوص در سال‌های اخیر خاورمیانه، هم دولت و هم نخبگان موظف‌اند به موضوع اعتراض‌ها ورود کنند؛ حکومت باید آماده شنیدن و ابتلا اصلاح محور و پیگیری مطالبات شود و از سوی دیگر، نخبور می‌توانند بیان‌کننده مطالبات مردم شوند. متأسفانه شواهد متعددی در لایه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد که مردم در اعطای نمایندگی به نخبگان برای پیگیری مطالباتشان دچار تردیدند. چه در موضوع اعتراض‌های موسوم به دختران خیابان انقلاب، چه حتی در مسئله درویش گنگدای تـا اعتراض‌های مدنی که اصولگرایان مشهد شروع‌کننده آن بودند، اعتراض‌ها به جایی رسید که شروع‌کنندگان ماجرا با سخنرانی و انتشار بیانیه‌های متعدد، از ابعاد امنیتی ماجرا اعلام برائت کردند.

برداشت‌های مرسوم جامعه‌شناسانه مبتنی بر عملکرد جامعه مدنی، اینکه مردم حق نمایندگی مطالبه‌گری را از نخبگان خود سلب می‌کنند و خود دست‌به‌کار می‌شوند، نشانه یک تفکر بیش نیست که آن همانا ناامیدی از صداقت و مطالبه‌گری نخبگان در مواجهه با حاکمیت است. در نتیجه، می‌توان این‌گونه برشمرد که مهم‌ترین مسئله امروز جامعه ایران، به اختلال در رابطه نخبگان با بدنه اجتماعی برمی‌گردد؛ پس بهتر به نظر می‌رسد که نخبگان جامعه امروز ایران، قبل از اصلاح و ساماندهی رابطه حکومت با مردم، به اصلاح و ساماندهی رابطه خود با مردم دست بزنند. مهم‌ترین دلیل این ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی به‌خصوص بین نخبگان و مردم، به تارسیابی فضای رسانه‌های گذشته برمی‌گردد؛ زمانی که گروهی که اکنون خود را به‌عنوان مطالبه‌گران خواست عمومی جا می‌زنند و زست اپوزیسیون خارج از نظام را به خود می‌گیرند، با استفاده از امکانات کشور به حذف اقدام می‌کردند و سعی در قطع رابطه منطقی مردم با نخبگان داشتند. امروز در سپهر سیاسی کشور، این مهندسان فضای سیاسی و بنای کجشان بر همگان آشکار شده و افسوس که در زمان مقتضی، با وجود اشاره بزرگانی مانند مرحوم آیت‌الله هاشمی (ره) دیده نشدند.

اینکه در جامعه افراد از نخبگان در مواردی روگردان شده و دست به اعتراض‌های پراکنده، کور بدون مسامح می‌زنند، به بایان امور تک‌کشور نیز مربوط است؛ وقتی نخبگان واقعی از سپهر سیاسی -اجتماعی حذف می‌شوند، نتیجه چیزی نیست جز جایگزین‌شدن نخبگان بدلی و بی‌خاصیت که امروز بدکارکردی و ناکارکردی آنها مشاهده می‌شود.

باید توجه داشت با تأخیر در گشایش‌ها، مطالبه‌گران سودجو و متقلب مدعی بیشتری برای عمل پیدا می‌کنند.

خبر

رایزنی تلفنی ظریف ولاوروف

● **ایسنا:** وزیران امور خارجه ایران و فدراسیون روسیه روز پنجشنبه به صورت تلفنی رایزنی و گفت‌وگو کردند. طرفین در این گفت‌وگو درخصوص روابط دوجانبه، دریای خزر، مسائل منطقه‌ای و نیز اقدام اصولی روسیه در وتوی قطع‌نامه یمن گفت‌وگو و تبادل‌نظر کردند.